



صورت جلسه ی ارزشیابی پایان نامه های کارشناسی ارشد

جلسه ی دفاع از پایان نامه ی کارشناسی ارشد خاتم صدیقه قاسم پور
تحت عنوان: **تاریختگاری محلی فارس در عصر ناصری (۱۳۱۳ - ۱۳۴۴ ه.ق)**
در ساعت ۱۴ بعد از ظهر روز یکشنبه مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۸ در دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه لرستان برگزار گردید. هیأت داوران براساس اهمیت موضوع، کیفیت پایان نامه، استماع
دفاعیه و نحوی پاسخگویی به سوال ها، پایان نامه ی ایشان را برای دریافت درجه ی **کارشناسی**
ارشد در رشته تاریخ معادل با چهار واحد نمره ی (به حروف) **لبزرده** (به عدد) **۱۹/۲۵** و با درجه ی **عالی** مورد تصویب قرار داد.

| امضاء | مرتبه علمی | هیأت داوران |
|-------|--------------------------|---------------------------------|
| | دانشیار دانشگاه لرستان | استاد راهنما: دکتر جهانبخش ثواب |
| | استاد یار دانشگاه لرستان | استاد مشاور: دکتر محسن رحمتی |
| | استاد یار دانشگاه لرستان | داور داخلی: دکتر مهدی صلاح |
| | استاد یار دانشگاه لرستان | داور داخلی: دکتر شهاب شهیدانی |

نماینده تحصیلات تکمیلی دانشکده ادبیات: دکتر حسین چراغی وش، استاد یار دانشگاه لرستان

مدیر گروه: دکتر محسن رحمتی

مدیر تحصیلات تکمیلی دانشگاه: دکتر ناصر اکبری

رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی: دکتر طاهر طاهری

تاریخنگاری محلی فارس در عصر ناصری (1313-1264 ه.ق.).

چکیده:

تاریخنگاری محلی سومین گونه مشهور تاریخ نویسی پس از تاریخ های سلسله ای و عمومی است. هر ایالت و یا شهری به فراخور اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص خود دارای یک یا چند اثر در تواریخ محلی می باشد. در این میان ایالت وسیع و پر رونق فارس با زمینه های تاریخی، فرهنگی و دینی خاص، از تاریخنگاری محلی نسبتاً پر باری به ویژه در عصر ناصرالدین شاه برخوردار بوده است. در این عصر، آثاری چون نزهت الاخبار از میرزا جعفر خان حقایق نگار خورموجی، فارسنامه ناصری از حاج میرزا حسن حسینی فسایی و آثار عجم از محمد نصیر فرصت شیرازی درباره فارس به رشته تحریر در آمده است.

در این رساله، با توجه به اهمیت تاریخنگاری محلی فارس، ابتدا تاریخنگاری ایران در عصر قاجار و اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فارس در عصر ناصری تبیین شده و سپس تاریخنگاری محلی فارس، جایگاه و ویژگیهای آن و بینش و روش تاریخنگاری مورخان فارس در این دوره مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: تاریخنگاری محلی، ایالت فارس، ناصرالدین شاه، نزهت الاخبار، فارسنامه ناصری، آثار عجم.

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

فصل اول: کلیات

| | |
|---|----|
| 1-1 - مقدمه | 1 |
| 2-1 - بیان مساله | 2 |
| 3-1 - تعریف مفاهیم تحقیق | 3 |
| 4-1 - سوالات تحقیق | 3 |
| 5-1 - فرضیات تحقیق | 3 |
| 6-1 - پیشینه تحقیق | 4 |
| 7-1 - ضرورت ها و اهداف تحقیق | 4 |
| 8-1 - کاربرد تحقیق | 5 |
| 9-1 - روش تحقیق و روش تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات | 5 |
| 10-1 - روش و ابزار گردآوری اطلاعات | 5 |
| 11-1 - معرفی منابع تحقیق | 5 |
| 1-11-1 - منابع اصلی | 5 |
| 2-11-1 - پژوهش های جدید | 7 |
| فصل دوم: تاریخنگاری ایران در عصر قاجار | |
| 1-2 - اوضاع فرهنگی ایران در عصر قاجار | 9 |
| 2-2 - مورخان بزرگ عصر قاجار | 16 |

| | | |
|----------|---|----|
| 19-3-2-3 | ویژگی های تاریخنگاری ایران در دوره قاجار | 19 |
| 19-3-2-1 | ویژگی های تاریخنگاری ایران پیش از دوره قاجار | 19 |
| 22-3-2-2 | ویژگی های تاریخنگاری ایران در دوره قاجار | 22 |
| 24-4-2 | زمینه ها و علل رشد تاریخنگاری ایران در عصر ناصری | 24 |
| | فصل سوم :اوضاع سیاسی،اجتماعی و فرهنگی فارس در عصر ناصری | |
| 29-3-1 | جایگاه و اهمیت فارس در عصر قاجار | 29 |
| 29-3-1-1 | جایگاه و اهمیت فارس پیش از دوره قاجار | 29 |
| 31-3-1-2 | جایگاه و اهمیت فارس در دوره قاجار | 31 |
| 32-3-2 | اوضاع سیاسی و اجتماعی فارس در عصر ناصری | 32 |
| 36-3-3 | وضعیت فرهنگی فارس در عصر ناصری | 36 |
| 37-3-3-1 | روزنامه | 37 |
| 38-3-3-2 | چاپ و چاپخانه | 38 |
| 39-4-3 | آثار باقیمانده دوره قاجاریه در فارس | 39 |
| 40-5-3 | مراکز آموزشی و مدارس | 40 |
| 40-5-3-1 | مساجد و بقاع | 40 |
| 41-5-3-2 | کتابخانه | 41 |
| 41-5-3-3 | مدارس | 41 |
| | فصل چهارم:تاریخنگاری محلی فارس در عصر ناصری | |
| 44-4-1 | پیشینه تاریخنگاری محلی فارس در عصر قاجار | 44 |
| 44-4-1-1 | پیشینه تاریخنگاری محلی فارس پیش از دوره قاجار | 44 |
| 50-4-1-2 | پیشینه تاریخنگاری محلی فارس در دوره قاجار | 50 |
| 52-4-2 | جایگاه تاریخنگاری محلی فارس در عصر ناصری | 52 |
| 54-4-3 | ویژگی های تاریخنگاری محلی فارس در عصر ناصری | 54 |
| 56-4-4 | بینش و روش تاریخنگاری مورخان محلی فارس در عصر ناصری | 56 |
| 56-4-4-1 | میرزا جعفرخان حقایق نگار موی | 56 |

| | |
|----------|--|
| 58..... | 2-4-4- تالیفات..... |
| 60..... | 3-4-4- معرفی کتاب نزهت الاخبار..... |
| 61..... | 4-4-4- بینش تاریخی مورخ..... |
| 65..... | 5-4-4- روش تاریخی کتاب نزهت الاخبار..... |
| 68..... | 5-4-4- حاج میرزا حسن حسینی فسایی..... |
| 68..... | 1-5-4- خاندان..... |
| 70..... | 2-5-4- خانواده..... |
| 71..... | 3-5-4- تحصیلات..... |
| 72..... | 4-5-4- تالیفات..... |
| 73..... | 5-5-4- معرفی کتاب فارسنامه ناصری..... |
| 75..... | 6-5-4- ارزش کتاب فارسنامه ناصری..... |
| 77..... | 7-5-4- بینش تاریخی مورخ..... |
| 83..... | 8-5-4- روش تاریخی کتاب فارسنامه ناصری..... |
| 89..... | 6-4- محمد نصیر فرصت شیرازی..... |
| 89..... | 1-6-4- خانواده..... |
| 90..... | 2-6-4- تحصیلات..... |
| 91..... | 3-6-4- مشاغل..... |
| 93..... | 4-6-4- تالیفات..... |
| 95..... | 5-6-4- معرفی کتاب آثار عجم..... |
| | 6-6-4- بینش تاریخی مورخ..... |
| | 7-6-4- روش تاریخی کتاب آثار عجم..... |
| 107..... | - نتیجه..... |
| 108..... | - تصاویر..... |
| 113..... | - فهرست منابع..... |

1-1- مقدمه:

تاریخ نویسی محلی از ارزنده ترین منابع تاریخ ایران و از اشکال و گونه های مهم تاریخ نگاری ایرانی-اسلامی به شمار می رود. تواریخ محلی ایران ضمن اینکه از تنوع فراوانی برخوردارند، در کنار تواریخ عمومی و دودمانی - سلسله ای، گونه ای از تاریخ نویسی ایرانی را شکل می دهند. پیشینه ی نگارش تواریخ محلی در ایران به سده های نخستین دوران اسلامی برمی گردد. در دوره های بعد نیز نگارش تواریخ محلی تداوم یافت و در دوره قاجاریه نیز ادامه داشت.

ایالت وسیع فارس با وجود داشتن پیوند واقعی با تاریخ و خاستگاه سلسله ی ساسانی، تاریخنگاری محلی آن دیرتر از مناطقی چون سیستان، خراسان و غیره شروع شد. شاید دلیل عمده اش این باشد که هنوز احساسات و تعلقات و تمایلات زادبوم ستایانه در مورخان محلی فارس شکل نگرفته بود. با نگارش تواریخ محلی، مورخان محلی فارس بیش از هر چیزی به موضوعات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی عصر اسلامی از جمله عرفان و تصوف و حضور مشایخ در آن دیار توجه زیادی می نمودند، به گونه ای که آثاری چون شیراز نامه، مزارات شیراز و یا مشیخه ی اهل فارس از نوع تواریخ محلی دینی با تاکید بر پدیده عرفان و تصوف عصر ایرانی نوشته شده اند. تاریخ نگاری محلی فارس، در سیر و روند خود، به این مسئله توجه زیادی نموده است. دوره ناصرالدین شاه قاجار نگارش تاریخ محلی بویژه تاریخ محلی فارس رواج زیادی یافت. در این دوره، کتابهایی چون نزهت الاخبار میرزا جعفرخان خورموجی، فارسنامه ناصری از میرزا حسن فسایی و در پایان آن دوره و اوایل دوره مظفرالدین شاه، آثار عجم فرصت الدوله شیرازی به رشته تحریر درآمد که هر یک از این آثار از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند.

1-2- بیان مسأله:

تاریخنگاری به عنوان یکی از ابعاد و مظاهر فرهنگ و تمدن حائز اهمیت بسیار است. زیرا شناخت و دریافت وجوه مختلف هر فرهنگ و تمدنی، بدون بررسی انواع هنرها و دانش‌هایی که در آن ظهور کرده یا تکامل یافته کامل نخواهد بود. پژوهش درباره تاریخنگاری نه تنها برای شناخت روش‌ها و آرای تاریخی مورخان ضروری می‌نماید، بلکه به سبب دگرگونی‌هایی که امروزه در پژوهش و بینش تاریخی رخ داده، راهی برای بررسی نقادانه منابع تاریخی هر دوره به شمار می‌رود.

در این رساله، تاریخنگاری محلی فارس در عهد ناصرالدین شاه قاجار (1113-1264 ه.ق.) بر اساس سه اثر مهم این دوره به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. 1) نزهت الاخبار تاریخ و جغرافیای فارس اثر میرزا جعفرخان حقایق‌نگار خورموجی (1301-1225 ه.ق.)، 2) فارسنامه ناصری اثر میرزا حسن حسینی فسایی (1316-1237 ه.ق.)، 3) آثار عجم اثر میرزا محمد نصیر فرصت‌الدوله شیرازی (1339-1271 ه.ق.). در این بررسی جایگاه تاریخنگاری محلی فارس در روند تاریخنگاری عصر ناصری و ویژگی‌های آن روشن خواهد شد و میزان تأثیرات وضعیت تاریخنگاری دربار قاجار بر روند تاریخنگاری محلی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. می‌دانیم که فارس علاوه بر اینکه از ایالات باستانی ایران و مهد فرهنگ و تمدن ایرانی بوده و در نتیجه تاریخنگاری خاص خود را داشته، لیکن در دوره قاجار که محدوده جغرافیایی آن شامل فارس کنونی، بوشهر، نیمی از استان هرمزگان و استان کهگیلویه و بویراحمد، با مرکزیت شیراز، از موقعیت استراتژیک سیاسی، اقتصادی و نظامی و برخوردار بوده که همجواری آن با خلیج فارس و حضور انگلستان در جنوب ایران، اهمیت آن را دوچندان می‌کرده است. از این رو این ایالت در عصر ناصری بیشتر مورد توجه واقع شده به ویژه که حوادث مهم سیاسی در این خطه به وقوع پیوست و تاریخ و جغرافیای آن نیز مورد توجه تاریخنگاران بومی قرار گرفت و آثار ارزشمندی را پدید آوردند. در کنار جنبه‌های اهمیتی فارس در این دوره، بی‌شک عوامل متعددی مانند سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ، آشنایی با روش تاریخنگاران اروپایی، ترجمه متون تاریخی اروپایی، تأسیس دارالفنون، گسترش ارتباط ایران با اروپا و علاقه شخص شاه و ... که در رشد تاریخنگاری ایران عصر ناصری تأثیر داشت، بر بالندگی تاریخنگاران و نقد و ارزیابی این آثار و تعیین جایگاه آنها در مجموعه تاریخنگاری این عصر، نیاز به پژوهشی در خور می‌باشد که در این رساله به آن پرداخته شده است.

1-3- تعریف مفاهیم تحقیق:

تاریخنگاری: تاریخنگاری در شکل مرسوم خویش به ثبت وقایع تأثیر گذار در سیر تحولی زندگی جمعی می پردازد و با توجه به گفتمان حاکم بر جامعه در هر عصری، وجوه خاصی از حیات اجتماعی انسان های آن عصر را به تصویر می کشد.

تاریخنگاری محلی: تاریخنگاری محلی به ثبت و ضبط وقایع تاریخی در محدوده یک محل (شهر - ایالت - ناحیه) تلقی می شود و در ذیل تاریخنگاری ملی قرار می گیرد که از حس وطنی و تفاخر بومی نشات می گیرد و مشوقان اصلی پدید آورندگان تاریخنگاری محلی، سلسله های محلی و حکمرانان بومی بوده است.

1-4- سؤالات تحقیق: (شامل سؤال اصلی و سؤالات فرعی)

سؤال اصلی:

- ویژگی های تاریخنگاری محلی فارس در عهد ناصری چه بوده است؟

سؤالات فرعی:

1- رشد تاریخنگاری ایران در دوره ی قاجار چه تأثیری در روند تاریخنگاری محلی فارس در عهد ناصری داشته است؟

2- تاریخنگاری محلی فارس از چه جایگاهی در تاریخنگاری عصر ناصری برخوردار بوده است؟

1-5- فرضیات تحقیق: (فرضیه اصلی و فرضیات فرعی)

فرضیه اصلی:

- تاریخ گرایي و جغرافیا گرایي، رجال شناسی، زیست بوم شناسی، نوعی تجدد گرایي، برخی از ویژگیهای تاریخنگاری محلی فارس در عهد ناصری بوده است.

فرضیه های فرعی:

1- به دلیل موقعیت استراتژیک ایالت فارس دوره قاجاریه تاریخ و جغرافیای آن مورد توجه ویژه تاریخنگاری محلی این دوره قرار گرفت.

2- تحولات تاریخنگاری دوره ی قاجار در رشد و بالندگی تاریخنگاری محلی فارس تأثیر داشته است.

1-6-پیشینه تحقیق:

با اینکه آثار مهمی درباره فارس به رشته تحریر درآمده است. اما درباره تاریخنگاری محلی آن در عصر ناصری پژوهش مستقل و منسجمی صورت نگرفته است. با این حال، در برخی مجلات نظیر کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (خرداد و تیر ماه 1380) مقاله هایی را در این ارتباط می توان ذکر کرد که از جمله مقاله: «از سنت به تجدد در نگاهی به آثار عجم» از محمد رضا قلی زاده، «کاربردهای تاریخی و جلوه های تاریخ محلی آثار عجم» از زهرا حامدی، «سیری در تاریخنگاری محلی ایران» از یعقوب آژند و یا مقاله هایی در فصلنامه فرهنگی- پژوهشی فارس شناخت باعناوین «نگاه تحلیلی به تاریخ فارس» از عبدالرسول خیر اندیش، «میرزا جعفر خان حقایق نگار خور موجی» از میرهاشم محدث و «تاریخنگاری فارس» از عبدالکریم مشایخ، از این گونه مقالات می توان به آگاهی های اندکی در این زمینه دست یافت از این رو با توجه به اهمیت تواریخ محلی فارس در این دوره ضرورت دارد که به صورت یک پژوهش مستقل و به شیوه ای عملی این موضوع مورد بررسی قرار گیرد.

1-7-ضرورت ها و اهداف تحقیق:

تاریخنگاری محلی ایران، اطلاعات مفید و نادری را در اختیار محققان و مورخان قرار می دهد. اما به لحاظ سختی ها و دشواری هایی که در پرداختن به این نوع تاریخنگاری وجود دارد، متأسفانه مورد بی مهری واقع شده است و در سالهای اخیر است که رویکرد تاریخنگاری محلی به دلایل فراوان مورد توجه قرار گرفته است. از آنجایی که منطقه فارس همواره در بستر تاریخ، نقطه آغاز گسترش تمدن پارسی و مهد فرهنگ و تمدن ایران اسلامی بوده و بزرگان بی شماری را در دامان خود پرورش داده، اما تاریخنگاری آن علی رغم اطلاعات مفیدی که در اختیار محققان قرار می دهد، چندان مورد توجه واقع نشده است. نگارنده با توجه به خلاء موجود در این باره، وظیفه خود دانسته با انجام این پژوهش دین خود را نسبت به این خطه ای جاویدان ادا کرده تا گوشه ای از اهمیت تاریخنگاری فارس در دوره ناصری روشن شود.

اهداف مرتبط با این پژوهش شامل موارد زیر می باشد:

1-روشن نمودن گوشه هایی از تاریخ و سیر تحول تاریخنگاری ایران با تمرکز بر تاریخنگاری فارس در عهد ناصری .

2- تلاش در راستای شناخت فرهنگی ایران و فارس در دوره ناصری در جهت شناخت بهتر ساختار بخشی از جامعه ایرانی.

1-8- کاربرد تحقیق:

1- استفاده در مراکز علمی و دانشگاهی به ویژه مراکزی که درباره شناخت هر چه بیشتر فارس مشغول به فعالیت هستند.

2- اصحاب رسانه مخصوصاً صدا و سیما از اطلاعات این پژوهش در برنامه های صوتی و تصویری خود استفاده نمایند.

1-9- روش تحقیق و روش تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات:

این پژوهش از نوع پژوهش تاریخی است و روش پژوهش از نوع توصیفی- تحلیلی است. در این روش، پس از گردآوری اطلاعات از منابع معتبر و دسته بندی اطلاعات و نقد و ارزیابی آنها، با استدلال و استنتاج عقلی بر اساس سؤالات مطرح شده به تبیین، توصیف و تحلیل موضوع پرداخته شده است.

1-10- روش و ابزار گردآوری اطلاعات:

روش اصلی گردآوری اطلاعات در این پژوهش روش کتابخانه ای بوده است و به شیوه ی فیش نگاری انجام شده است.

1-11- معرفی منابع تحقیق:

تکیه اصلی این پژوهش بر منابع تاریخی به ویژه منابع تاریخ محلی فارس در عصر ناصری بوده ، که بررسی و تحلیل متن آنها هدف اصلی رساله محسوب می شود. علاوه براین ، به منظور بهره گیری از دیدگاه های صاحب نظران در این باره ، پژوهش های جدید در این حوزه نیز مراجعه شده است. در زیر به گزیده ترین این آثار در دو دسته : 1- منابع اصلی و 2- پژوهش های جدید اشاره می شود.

1-11-1- منابع اصلی:

فارسانامه ابن بلخی :

این کتاب در قرن ششم هجری توسط ابن بلخی و به دستور حکمران وقت تألیف گردیده است. کتاب فارسانامه ابن بلخی یکی از بهترین و قدیمی ترین کتابهایی است که در مورد تاریخ و جغرافیای فارس

به رشته نگارش در آمده است. این کتاب توسط منصور رستگار فسایی برای پنجمین بار بر اساس متن مصحح لسترنج و نیکلسن تصحیح شده است. اولین چاپ کتاب در سال 1921 میلادی برابر با 1339 ه.ق. توسط لسترنج و نیکلسن در کمبریج انگلستان می باشد که در سلسله انتشارات اوقاف گیب به چاپ رسیده است. چاپ دوم آن به اهتمام سیدجلال الدین تهرانی می باشد که در سال 1313 شمسی در تهران با چاپ سربی منتشر شد. چاپ سوم توسط علی نقی بهروزی است که بر اساس نسخه چاپ کمبریج، در سال 1343 شمسی منتشر شده است. چاپ چهارم بخش جغرافیایی کتاب را شامل می شود که توسط الله کرم خان داودی از ترجمه انگلیسی به فارسی برگردانده شده است و در چاپخانه علوی منتشر شده است. آخرین چاپ آن در سال 1374 ه.ش. توسط منصور رستگار فسایی می باشد.

آثار جعفری:

کتاب آثار جعفری بعد از فارسنامه ابن بلخی، دومین کتاب مستقلی است که درباره تاریخ فارس نوشته شده است. این کتاب را حاج محمد جعفر خورموجی به رشته تحریر در آورد و توسط احمد شعبانی تصحیح و در سال 1380 به چاپ رسیده است. این کتاب حاوی اطلاعات مفیدی درباره تاریخ فارس می باشد، اما به دلیل مختصر بودن بیش از حد آن، چندان مورد استفاده محققان و مورخان واقع نشده است.

تذکره شعرای دارالعلم شیراز:

این کتاب بخشی از «دریای کبیر» اثر عظیم و دایره المعارف گونه فرصت می باشد که در آن احوال و اشعار 128 تن از شعرای معاصر فرصت که اغلب مقیم شیراز بوده اند، آورده شده است. شیوه تذکره نگاری فرصت در این کتاب، بسیار متفاوت از دیگران بوده است. اساس کار اختصار و بیان حقایق و پرهیز از هر گونه تعارفات معمول بوده است. فرصت در مورد هر شاعری نقد کوتاه، صریح و نکته سنجانه و دقیق ارائه کرده و سپس مهمترین نمونه از شعر هر شاعری را آورده است. در زمان فرصت تعداد شاعرانی که بدون هیچ تجربه و تحصیلی شعر می سرودند بسیار زیاد بود. اما فرصت در اثرش به آن دسته از شاعرانی پرداخته که واقعا شاعرند.

آثار الرضا:

این کتاب در مورد تاریخ جغرافیای کازرون و شیراز می باشد که توسط صدرالسادات سلامی کازرونی تألیف شده است. کتاب آثار الرضا با پژوهش زهرا خوش بویی و موسی مطهری زاده بر اساس نسخه چاپ سنگی 1327 ه.ق. در سال 1381 به چاپ رسیده است. این کتاب حاوی بسیاری از کلمات، ترکیبات، جملات عربی و سجع موازنه می باشد. اما این عربی مآبی و صنعت پردازی که حاصل تحصیلات صدرالسادات است، موجب تکلف کتاب نگردیده است.

1-11-2- پژوهش های جدید:

تاریخنگاری در ایران:

این کتاب مجموعه مقالات افرادی چون اشپولر، بازورث، ک، کاهن، آ.ک لمبتن و... می باشد که توسط یعقوب آژند ترجمه و تألیف شده است. مباحث این کتاب از منابع گوناگونی گردآوری شده و با شیوه ای یکدست و منظم و سامان یافته است. مترجم، هر کجا که کاستی و نقصی را دیده، با یادداشت ها و تکمله ها و نوشته های خود، بر طرف ساخته است. کتاب تاریخنگاری در ایران، حاوی اطلاعات زیادی در این مورد می باشد. که تا کنون دوبار به چاپ رسیده و آخرین چاپ آن در سال 1388 ه.ش می باشد.

خاک پارس:

این کتاب نوشته منصور رستگار فسایی محقق و مصحح گرانقدر پارس می باشد. وی پنج کتاب اصلی و مهم مربوط به فارس یعنی فارسنامه ناصری، آثار عجم، فارسنامه ابن بلخی، تذکره دلگشا و تذکره شعرای دارالعلم شیراز را تصحیح و تحشیه نموده است. رستگار فسایی علاوه بر مصححی به نویسندگی نیز اشتغال می ورزیده است. از جمله آثار معروف او که در سالهای اخیر به چاپ رسیده است کتاب خاک پارس می باشد. این کتاب که با الهام از بیت سعدی نامگذاری شده است¹، در بردارنده مجموعه مقاله های وی به انضمام چند قطعه شعر در ستایش فارس و شهرستان ها و آثار تاریخی و رجال آن می باشد.

¹ . یارب ز باد فتنه نگه دار خاک پارس

چندان که خاک را بود و باد را بقا

فارس در عصر قاجار:

این کتاب توسط حسن امداد نوشته شده است. مؤلف کتاب ابتدا سعی داشته که وقایع فارس را از سال 1300 ه.ق. که پایان وقایع نگاری در فارسنامه ناصری است را تا انقراض قاجاریه بنگارد تا ذیلی بر کتاب فارسنامه باشد. اما هنگام جمع آوری منابع و مدارک لازم جهت تهیه کتاب، مؤلف متوجه گردیده که بسیاری از خاطرات برخی از رجال، گزارش های سفیران و جهانگردان خارجی که در سالهای اخیر منتشر شده در دسترس مؤلف فارسنامه نبوده تا از آنها استفاده کند. به همین جهت، حسن امداد بر آن شده که وقایع فارس را از چگونگی تشکیل دولت قاجاریه تا بر افتادن آن دولت به رشته تحریر در آورد و آنچه را که در فارسنامه آمده، به طور اختصار و آنچه را نیامده، به صورت مفصل بیان کند. از نظر وی، چون بعضی وقایع مهم در سرنوشت ایران تأثیر داشته اند و فارس جزئی از ایران محسوب می شده است، خواه ناخواه آن وقایع مستقیم یا غیر مستقیم در حوادث فارس اثر گذاشته است. از نظر او، پادشاهان قاجار اغلب خودکامه و عشرت طلب بودند و با قساوت و بیرحمی وزیران لایق و کاردان، روشنفکر و جدی چون قائم مقام، امیر کبیر را کشته اند. به همین دلیل باعث شده اند که ملت ایران در جهل و بی خبری در دنیای در حال پیشرفت باقی بمانند.

تاریخ آموزش و پرورش در فارس:

این کتاب از جمله تألیفات حسن امداد می باشد که در بر دارنده تاریخ آموزش و پرورش فارس از عهد باستان تا دوره معاصر می باشد. از نظر مؤلف، محیط زندگی و خصوصیات جغرافیایی فارس موجب شده که استعداد ذاتی فارسیان در هر دوره ای از تاریخ به صورتی شگفت انگیز تجلی یابد. مؤلف کتاب سعی کرده مطالب کتاب را در کمال اختصار و ایجاز و مستند به اسناد و مدارک معتبر بنگارد و در معرفی مدارس و مدیران و معلمان و نمایندگان فرهنگی که سهمی در ایجاد مدارس جدید داشته اند تا آنجایی که امکان دسترسی داشته آگاهی هایی را به دست دهد.

2-1- اوضاع فرهنگی ایران در عصر قاجار:

اوضاع فرهنگی هر عصری، به علل و عواملی مختلفی بستگی دارد، که در کنار هم می توان اوضاع فرهنگی هر دوره ای را سنجید. ایران از لحاظ فرهنگی، در ابتدای عصر قاجار، به دلیل درگیر بودن شاهان به مسائل داخلی و سیاسی و عدم حس ضرورت به پیشرفت، چندان پیشرفتی نکرد. اولین گام

های پیشرفت اوضاع فرهنگی عصر قاجار در دوره فتحعلی شاه برداشته شد. در این دوره، عباس میرزای ولیعهد، به جهت ارتباط و مراوده با کشورهای اروپایی و شکست ایران از روس و پی بردن به عقب ماندگی کشور، تصمیم به بهبود اوضاع ایران گرفت. او با احداث چاپخانه، ترجمه کتاب های خارجی و ... زمینه را برای پیشرفت فرهنگ ایران فراهم کرد. اما عمر وی کفاف نداد و با مرگ او، اقداماتش رها شد. در دوره ناصرالدین شاه، با افزایش مراوده با کشورهای اروپایی، زمینه ای که عباس میرزا فراهم کرده بود، بیشتر دنبال شد. اوضاع فرهنگی ایران در این دوره، نسبت به دوره های قبل، پیشرفت زیادی کرد. در این زمینه، چندین عوامل مؤثر بودند که مهمتر از همه موارد زیر می باشد:

1- شخصیت ناصرالدین شاه و محیط تربیتی و آموزه های حاصل از آن در این زمینه تأثیر بسزایی داشت. شاه در دوره ولایتعهدی خویش در تبریز فرصت های بسیاری را برای آشنایی با آموزشهای نوین بدست آورد. اولاً: بافت موقعیتی تبریز، که به جهت مجاورت با مرزهای عثمانی و روسیه در این دوره کانون تجدد و مرکز اصلاحات ابتدا در این شهر بود. ثانیاً: وی در این دوره، تعلیم و تربیت را نزد افراد با نفوذی چون حاجی محمود نظام العلما (از علمای شیخیه آذربایجان)، عیسی خان قاجار و مادام گل ساز فرانسوی قرار گرفت و سپس زبان فرانسه را در مدرسه ای که توسط کشیش فرانسوی اوژن بوره تأسیس شده بود، فراگرفت.¹ ناصرالدین شاه در دوره پادشاهی خویش - جدای از دادن امتیازات به بیگانه - نسبت به دیگر پادشاهان عصر قاجار، توجه زیادی به بهبود اوضاع فرهنگی ایران نشان می داد.

2- در این دوره، افراد برجسته ای ظهور کردند که هر کدام نقش مهمی در پیشرفت اوضاع فرهنگی ایران ایفا کردند. از جمله:

الف) امیرکبیر:

امیرکبیر، که در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه که محیطی بسیار آشفته و تشنج سیاسی و فتنه ها و قیام ها و شورشهای گوناگونی بود، تلاشهای فراوانی در زمینه تحکیم اساس سلطنت کرده او اصلاحات زیادی در زمینه های مختلف انجام داد. مهمترین اصلاحات او، در زمینه فرهنگی است. در این زمینه، بحق باید او را بانی و مؤسس فرهنگی ایران دانست. زیرا او در مدت کوتاه سه ساله صدارتش، به وسیله

¹ محمد امیر شیخ نوری و زهرا علیزاده بیرجندی، «معايير آشنایی ناصرالدین شاه با گفتمان تجدد»، مجله پژوهش های تاریخی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان 1387، ص 40.

احیای روزنامه و تأسیس مدرسه دارالفنون، انتشار کتب و اعزام محصل به اروپا و استخدام معلم اروپایی نقش مهمی در پیشرفت فرهنگی ایران ایفا کرد^۱. لیکن خیلی زود مورد حسادت بدخواهان واقع شد و او را بر کنار و سپس به قتل رساندند.

ب) محمد حسن خان اعتماد السلطنه (صنیع الدوله):

یکی از معروف ترین رجال عصر ناصری، محمد حسن خان اعتماد السلطنه است. وی فرزند حاج علیخان مراغه ای ملقب به حاجب الدوله قاتل امیرکبیر است که از همان ابتدا با دربار آشنایی داشت. محمد حسن خان به مدت سه سال و نیم در پاریس به تحصیل و تکمیل اطلاعات خود و زبان فرانسه پرداخت و سپس در دربار ناصرالدین شاه، عهده دار مشاغل فرهنگی گوناگونی چون ریاست دارالطباعة، دارالترجمه، روزنامه خوان شاه، مسئولیت چاپ و روزنامه و... گردید^۲. او با تشویق میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم، مدرسه ای به سبک اروپایی در تهران تأسیس کرد و به احترام سپهسالار مشیر الدوله آن را مدرسه مشیریه نامگذاری کرد. محمد حسن خان مترجم زبر دستی بود و کتاب های زیادی را از زبان های اروپایی به فارسی ترجمه کرد. وی از نزدیکان شاه بود و در بهبود اوضاع فرهنگی ایران تلاش فراوانی کرد. به طوری که شاه به او گفته بود: «تو حقیقت عام مملکت ما هستی، مثل الکساندر دوما و ویکتور هوگو»^۳.

ج) اعتضاد السلطنه:

وی یکی از شاهزادگان دوره قاجار است که در طول حیات خود مشاغل و مقامات متعدد فرهنگی را تجربه کرده است. او علاوه بر ریاست دارالفنون، به وزارت علوم و صنایع و تجارت و اداره تلگرافخانه و معادن و روزنامه های دولتی و علمی و چاپخانه های تهران و ولایت و حکومت ملایر و تویسرکان نیز مشغول بوده است^۴. اعتضاد السلطنه به مطالعه کتاب و معاشرت با اهل فضل و ادب اهمیت بسیاری می داد و جهت ترویج علم و دانش، کتابخانه معتبری ایجاد کرد.

د) حاج میرزا حسین خان سپهسالار:

^۱ فریدون آدمیت، امیر کبیر و ایران، تهران، چاپ سوم، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۸، صص ۳۷۵-۳۷۳.

^۲ محمد حسن خان اعتماد السلطنه، تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید در ایران، به تصحیح میر هاشم محدث، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳، ص ۴.

^۳ محمد حسن خان اعتماد السلطنه، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، به اهتمام ایرج افشار، تهران، ۱۳۴۵، امیرکبیر، ص ۳۶۹.

^۴ حسین محبوبی اردکانی، تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، جلد ۱، تهران، ۲۵۳۷ شاهنشاهی، ص ۱۹.

وی یکی از صدر اعظم های ناصرالدین شاه بود ، که چندین سال هم از طرف دولت ایران در دربار اسلامبول ، سفیر کبیر بود و از نزدیک بسیاری از تحولات و پیشرفتهای کشور دیگر را مشاهده کرده بود. به همین جهت خواهان پیشرفت ایران شبیه آنچه در کشورهای غربی بود. او علاوه بر منتشر کردن روزنامه ، مدرسه و مساجد و کتابخانه های متعددی ایجاد کرد^۱.

جدای از این افراد ، در دوره قاجار ، افراد دیگری نیز بودند که به اوضاع فرهنگی ایران به ویژه آموزش سنتی کشور سخت انتقاد می کردند و به پذیرش علوم و فنون و نظام آموزشی نوین تاکید زیادی داشتند از جمله می توان افرادی نظیر فتحعلی آخوندزاده، میرزا ملکم خان، میرزایوسف خان مستشار الدوله، عبدالرحیم طالبوف، میرزا تقی خان کاشانی، حاج میرزا حسن رشديه، سید جمال الدین اسد آبادی^۲ و ... را نام برد.

3- سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ:

ناصرالدین شاه ، به تشویق میرزا حسین خان سپهسالار ، برای اولین بار عازم اروپا شد. هدف میرزا حسین خان از این مسافرت ها، ایجاد تحول در شاه و ترقی و پیشرفت ایران بود^۳. شاه در طول حیات خود سه سفر در سالهای 1290، 1295، 1306 ه.ق. به اروپا کرد. این سفرها ، تأثیر زیادی در توجه شاه به فرهنگ ایران داشت. در عصر ناصرالدین شاه ، آشنایی با فرهنگ جدید مغرب زمین رفته رفته بیشتر می شد. این امر نفوذ مدنیت اروپا را در ایران افزوده می ساخت و ضرورت قبول تمدن غربی را الزام آور می ساخت. در این دوره عناصر مهمی در تجدد ایران نقش داشتند که برجسته ترین آنها در موارد زیر قابل ذکر است:

الف) مدارس:

تعلیم و تربیت در ایران ، که پیشینه ای بس کهن دارد . از دوران باستان گرفته تا دوران اسلامی با تفاوت های کمی و کیفی ، اما نه همیشه پرشتاب و گسترده ، پیوسته به همراه دگرگونی های اجتماعی راه فراز و نشیبی را پیموده است. مکتبخانه ها به عنوان یکی از مراکز آموزشی در اکثر شهرها و

¹- فریدون آدمیت ، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار ، تهران ، انتشارات خوارزمی ، 1351 ، ص 458 .

²- اقبال قاسمی پویا ، مدارس جدید در دوره قاجار ، مرکز نشر دانشگاهی ، تهران ، 1377 ، صص 181 - 141 .

³- فریدون آدمیت ، همان ، ص 263.

روستاها دایر بوده و بیشتر در مسجدها، سرگذرها، خانه های مکتبداران، دکان ها و ... دایر می شده است.^۱ تأسیس و ورود به این مکتبخانه ها هیچ گونه محدودیتی نداشت و آموزش در این مکتبخانه ها به صورت سنتی و بیشتر جهت آشنا کردن دانش آموزان با اصول و قواعد دینی بود. در دوره قاجار، همچنان مکتب خانه ها پابرجا بود، اما بر اثر مراوده با کشورهای اروپایی و آشنایی با نظام آموزشی این کشورها، درباریان قاجار سعی کردند تا مدرسه ای به شیوه ای جدید جهت آموزش محصلین فراهم سازند. در ابتدای دوره قاجار، این نیاز، کمتر احساس می شد. لیکن در دوره ناصرالدین شاه به اوج خود رسید. نخستین مدرسه ای که در ایران ساخته شد. توسط خارجیان و با اهداف مذهبی و تبلیغی ایجاد گردید. از جمله می توان مدارس را که در سال 1254 ه.ق. پرکینز کشیش آمریکایی در شهر رضائیه (ارومیه سابق) و مدرسه ای که در سال 1255 ه.ق. توسط کشیش فرانسوی به نام اوژن بوره در تبریز تأسیس شده، را نام برد.^۲ اما نیاز به مدرسه به شیوه جدید، توسط امیر کبیر، در مدت اقامت کوتاه خود در روسیه و ماموریت طولانی خویش در کشور عثمانی بیشتر احساس شد. او سعی کرد در ایران، دارالفنون شبیه به آنچه در اروپا وجود داشت، ایجاد کند. این دارالفنون در سال 1268 ه.ق. با هدف آشنا کردن ایرانیان با علوم و فنون جدید و رفع حوائج نظامی و فنی کشور تأسیس شد.^۳ امیر کبیر نخستین معلمان را از دو کشور اتریش و پروس (آلمان) استخدام کرد. درسهایی که جهت تدریس محصلان انتخاب شده بود شامل مهندسی، داروسازی، طب، جراحی، توپخانه، پیاده نظام، سواره نظام و معدن شناسی بود. علاوه بر این هفت رشته، درسهای دیگری نیز متناسب با همان رشته تدریس می شد. محصلان اولیه دارالفنون، هرچند همه از اشراف زادگان بودند ولی با همه اینها، دارالفنون در پیشرفت کار تعلیم و تربیت و اخذ علوم و فنون جدید اروپایی مؤثر افتاد و توده وسیع مردم را با مدنیت آشنا ساخت.^۴ از این زمان به بعد، اکثر مدارس تحت حمایت دولت قرار گرفتند و مدارس بسیاری در شهرهای مختلف نظیر تبریز، اصفهان، شیراز و ... توسط شاهزادگان ایجاد شد. با همه اینها، تأسیس مدارس جدید دخترانه خیلی دیرتر از مدارس پسرانه صورت گرفت. علت این امر را در درجه اول باید در محدودیت هایی که بانیان مدارس با آن روبرو بودند، دانست.^۵

۱- اقبال قاسمی پویا، همان، ص 349.

۲- غلامعلی سرمد، اعزام محصل به خارج از کشور، تهران، چاپ و نشر آموزش و پرورش نوین بنیاد، 1373، ص 79.

۳- اقبال قاسمی پویا، همان، 497.

۴- یحیی آربین پور، از صبا تا نیما، جلد دوم، چاپ چهارم، انتشارت زوار، تهران، 1372، ص 258.

۵- اقبال قاسمی پویا، همان، ص 326.

ب) اعزام محصل به خارج: برای اولین بار، شخص عباس میرزا که به تمدن و فرهنگ و نظامات اروپایی آشنایی داشت و طی شکست هایی که از روسیه خورده بود، به این اندیشه برآمد که به جای استخدام کارشناسان خارجی که غالباً در ایران نظریات و مقاصد سیاسی خاصی را دنبال می کردند، عده ای محصل به اروپا اعزام دارد تا آنها اصول علوم جدید را در رشته های مختلف فرا گرفته و پس از اتمام تحصیلات به کشورشان خدمت کنند. محصلان اعزامی به خارج از کشور، تا قبل از امیرکبیر، عمدتاً کسانی بودند که خود اهل فن نبودند. در دوره امیرکبیر اعزام محصل، وارد مرحله جدیدی شد. بدین معنی که اکثراً افرادی بودند که فارغ التحصیل دارالفنون و به قصد ایجاد یا توسعه صنایع جدید اعزام می شدند. این روش، در دوره های بعد، نیز ادامه یافت.

ج) چاپ و چاپخانه: از دیگر عناصر تجدد در ایران عصر قاجار، توسعه چاپخانه است. در سال 1235 ه.ق. بعد از بازگشت محصلین اعزامی از انگلیس، چاپخانه ای که میرزا صالح شیرازی، ضمن تحصیل علوم با خود آورده بود و همچنین دعوت از شخصی به نام ادوارد برجیس برای آموزش فن چاپ و تأسیس چاپخانه سبب گردید که چاپخانه و چاپ کتاب، در ایران متداول شود.¹ چاپ در ایران از عصر ناصری دستخوش تحولاتی تازه ای شد. چرا که انتشار روزنامه، رواج نسبی روزنامه نگاری و تهدیدی که حکومت خودکامه از جانب مطبوعات و اشاعه اندیشه ها احساس می کرد، به ایجاد تدابیری برای نظارت و تسلط بر مطبوعات دست زد و سرنوشت چاپ را عملاً به مطبوعات گره زد. چندان که تاریخ چاپ از آن پس از تاریخ مطبوعات تفکیک پذیر نیست و حکومت ها در واقع از نظارت مستقیم بر چاپخانه ها، مطبوعات را عملاً زیر نظر قرار می دادند و هر تصمیمی که درباره که مطبوعات گرفته می شد، نتیجه آن بی درنگ، در چاپخانه محسوس می شده است.² تأسیس دارالفنون و نیاز به انتشار کتابهای درسی، بر وضع و سیر چاپ در ایران، تأثیر بسزایی گذاشت. از زمانی که چاپ مصور در ایران رواج یافت بر تعداد چاپخانه های ایران افزوده گشت.

د) ترجمه: در پی نابسامانی اوضاع و عقب ماندگی ایران عصر قاجار، نخستین کوششهای جدی برای اقتباس اندیشه های جدید غربی در ایران، در عهد فتحعلی شاه و با تلاش عباس میرزای ولیعهد آغاز شد. ترجمه های اولیه را مستشاران و هیئت های نظامی فرانسوی و انگلیسی و تاجران و مبلغان مذهبی و محصلان از اروپا برگزیده، انجام می دادند. در ابتدا بیشتر کتابهایی که به تحولات و پیشرفت های اروپا

¹ - غلامعلی سرمد، همان، ص 57 .

² - سید احمد هاشمی، چاپ و چاپخانه، دانشنامه جهان اسلام، ج 11، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، ص 613 .

و انحطاط کشورهای هم سرنوشت با ایران، ترجمه می شد. از جمله شامل کتابهایی چون تاریخ پطر کبیر، شارل دوازدهم هر دو تألیف ولتر، تاریخ تنزل و خرابی دولت روم اثر ادوارد گیون^۱ و... می باشد. دوره ناصرالدین شاه، با تأسیس دستگاه مترجمان دولتی، دارالفنون و دارالترجمه ناصری، ترجمه آثار اروپایی برای نخستین بار انسجام و سامان یافت^۲. گسترش مناسبات با دولتهای خارجی، امیرکبیر را به استخدام و تربیت مترجم واداشت. او در دستگاه مترجمان دولتی، برخی از فرنگیان و ایرانیان مسیحی و تحصیل کردگان ایرانی را به کار گماشت، از جمله ادوارد برجیس، جان داود، میرزا آقا تبریزی، یحیی خان (مشیر الدوله) و... در دوره صدارت امیر کبیر، حجم کتابهایی که از اروپا وارد ایران می شد، در خور توجه است^۳. با گسترش ترجمه به ویژه ترجمه متون تاریخی و جغرافیایی در عهد ناصرالدین شاه، دارالترجمه ناصری، جهت سهولت و رواج تأسیس شد. محمد حسن خان صنیع الدوله ریاست آن را به عهده گرفت. وی علاوه بر حمایت هایی که از مترجمان می کرد، خود نیز صاحب ترجمه های بسیاری نیز بود. در ابتدا ترجمه ها از دقت کافی و نثر شیوا، برخوردار نبود. با افزایش خوانندگان، مترجمان ناگزیر بودند که به شیوه نگارش ساده روی آورند^۴. ترجمه کتاب ها نقش زیادی در جهت آشنا کردن مردم با مدنیت غربی و پیشرفت اوضاع فرهنگی ایران داشت.

(روزنامه: قدیم ترین روزنامه ای که به زبان فارسی در ایران منتشر شد، روزنامه کاغذ اخبار است. این روزنامه در 25 محرم سال 1253 ه.ق. برای اولین بار به مدیریت میرزا صالح شیرازی در تهران به صورت ماهانه در دو ورق بزرگ چاپ سنگی شد. نشر این روزنامه تا سال 1256 ه.ق. ادامه یافت و در همان سال به دستور حاجی میرزا آقاسی، صدراعظم محمد شاه تعطیل شد. پیدایش روزنامه به طور مرتب و منظم از اقدامات میرزا تقی خان امیر کبیر و در زمان سلطنت ناصر الدین شاه است. در این زمان با حمایت و تشویق وی، روزنامه ای که شماره اول آن بدون نام، به مدیریت میرزا جبار تذکره چی و مباشرت و مترجمی برجیس در سال 1267 ه.ق. انتشار یافت^۵. این روزنامه هفته ای یکبار و با هدف آگاهی مردم از اخبار ایران و ممالک خارجه منتشر می شد. این روزنامه از شماره دوم تا شماره 471 به نام وقایع اتفاقیه در ایران منتشر می شد. از آن شماره به بعد، مدیریت روزنامه به میرزا

¹ - فریدون آدمیت، امیر کبیر و ایران، ص 163.

² - ترجمه فارسی در دوره معاصر، دانشنامه جهان اسلام، جلد هفتم، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، 1382، ص 51.

³ - فریدون آدمیت، همان، ص 75.

⁴ - یحیی آربین پور، همان، ج اول، ص 260.

⁵ - محمد صدر هاشمی، تاریخ جراید و مطبوعات ایران، ج 4، چاپ دوم، انتشارات کمال، اصفهان، 1364، ص 330.

ابوالحسن خان صنیع الملک سپرده شد و نام آن به روزنامه دولت علیه ایران تغییر یافت و تصاویری بر آن افزوده گشت. این نخستین روزنامه مصوری بود که در ایران انتشار یافته بود.^۱ در زمان ناصرالدین شاه، اغلب جراید دولتی و در پایتخت منتشر می شد و اگر احیانا در بعضی از ولایات از قبیل تبریز، اصفهان و فارس روزنامه ای انتشار می یافت، تحت نظر حکام وقت صورت می گرفت. با افزایش تیراژ روزنامه ها و شمار خوانندگان، وزارتی به نام وزارت انطباعات که یکی از وزارت خانه های مهم آن زمان بود، جهت تنظیم مطالب و انتشار روزنامه های دولتی ایجاد گشت. ریاست اداره دارالطباعه به عهده محمد حسن خان صنیع الدوله بود. در زمان تصدی وی به این سمت، سه روزنامه مهم ایران، مریخ و علمی منتشر می شد که ریاست همه به عهده او بود. در دوره ده ساله وزارت و صدارت میرزا حسین خان سپهسالار در روزنامه نگاری تحول نسبی به وجود آمد. وی که همواره از نحوه اطلاع رسانی روزنامه های پایتخت در قیاس با روزنامه های سایر کشورها ناراضی بود و آن را اسباب مسخره می دانست، در همان دو سه ماهه آغاز وزارت، تمام روزنامه ها، جز چند روزنامه را منحل کرد. و خود بنیانگذار چهار روزنامه وقایع عدلیه، نظامی، مریخ و وطن گشت.^۲ علاوه بر این، در زمان وی روزنامه Lapatrie یا «وطن» را در تهران به دو زبان فارسی و فرانسوی، به مدیریت بارون نرمان، تأسیس شد. اولین شماره آن در تاریخ 9 محرم سال 1293 ه.ق. منتشر شد. چون در آن دم از آزادی و مساوات می زد، موافق طبع ناصرالدین شاه و اطرافیان او واقع نشد و برای همیشه توقیف شد.^۳ در عصر قاجار، علاوه بر روزنامه های که در ایران توسط ایرانیان و خارجیان منتشر می شد، روزنامه هایی هم در خارج منتشر می شد. این روزنامه ها به دلیل سبک نگارش و آزادی که نویسندگان در نوشتن مطالب داشتند، بیش از روزنامه های منتشر شده در ایران دارای ارزش بودند. از جمله می توان از روزنامه هایی چون اختر، استانبول، ارشاد، باکو، قانون، لندن و ... نام برد.^۴ سنت روزنامه نگاری عصر ناصری در دوره مظفرالدین شاه ادامه یافت با این امتیاز که تا حدودی جراید از آزادی قلم و گسترده‌گی حوزه بحث برخوردار شدند و روزنامه از انحصار دولت خارج شد.^۵

1 - یحیی آرین پور، همان، ص 238.

2 - فریدون آدمیت، همان، ص 387.

3 - محمد صدر هاشمی، همان، ج 4، ص 56.

4 - یحیی آرین پور، همان، ج اول، ص 250.

3 - محمد صدر هاشمی، همان، ص 23.